

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال نوزدهم، شماره هفتاد و چهارم

تابستان ۱۳۹۷

## واکاوی تاریخ‌نگاری بدلیسی؛ با تأکید بر دفتر چهارم هشت بهشت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۷/۱

سید ابوالفضل رضوی<sup>۱</sup>

حسین ملکی منفرد<sup>۲</sup>

در دوره حکومت بایزید دوم (حک: ۱۴۱۸-۱۴۱۷ق)، سنت تاریخ‌نگاری دودمانی جامعی در قلمرو آل عثمان پایه‌گذاری شد. حکیم‌الدین ادریس بن حسام‌الدین علی بدلیسی حنفی (م ۹۲۶ق) با نگارش هشت بهشت، یکی از نخستین آثار را در این سبک پدید آورد. وی تلاش کرد با ثبت تاریخ زندگانی سلاطین عثمانی از ابتدا تا محمد فاتح، شکوه این خاندان را به نمایش گذارد. این پرسش در باره این بازنمایی شایسته طرح است که بدلیسی متأثر از کدام طرح‌واره‌ها و الگوهای تاریخ‌نگارانه، تاریخ آل عثمان را به رشته تحریر درآورد؟ و در زمانه ثبات حکومت عثمانی، چگونه نخستین جنگ‌های این خاندان با امیرنشین‌های مسلمان آناتولی، و مهم‌تر از آن، شکست مخدومان خود را از تیمور، در اوراق هشت بهشت روایت و تحلیل کرد؟ این پژوهش قصد دارد با تأکید بر دفتر

۱. دانشیار دانشگاه خوارزمی: razavi\_edu@yahoo.com.

۲. کارشناس ارشد رشته تاریخ اسلام از دانشگاه خوارزمی: hosein.maleki20@yahoo.com.

چهارم این کتاب و از طریق فهم روش و بینش مسلط بر تاریخ‌نگاری بدلیسی و الگوهای تاریخ‌نگارانه او، به این دسته از پرسش‌ها پاسخ دهد. یافته‌های پژوهش، نشانگر آن است که هشت‌بهشت با هدف نمایشی از شوکت حکومت عثمانی، با الگوبرداری از متون تاریخ‌نگاری عصر چنگیزی و تیموری، یک تاریخ دودمانی مفصل از خاندان عثمانی را با نثری منشیانه تولید کرده است. بینش بدلیسی در این کتاب، متأثر از طرح‌واره‌های دینی او، به دنبال ایجاد مشروعیت‌سازی دینی مبتنی بر سنت غازی‌گری سلاطین عثمانی در برابر دشمنان آنان، به‌ویژه امیرنشین‌های آناتولی و تیمور است. از این رو، وی با هدف حاشیه‌رانی ننگ شکست از چهره مخدومانش، عامل اجتناب‌ناپذیر تقدیر الهی را به عنوان دلیل اصلی پیروزی تیمور برجسته کرده است.

**کلیدواژگان:** بدلیسی، هشت‌بهشت، تاریخ‌نگاری، خلافت عثمانی، سلطان بایزید

اول.

#### مقدمه

تا روی کار آمدن بایزید دوم (حک ۹۱۸-۸۸۶ق)، سنت تاریخ‌نگاری دودمانی مفصل و جامعی در حکومت عثمانی شکل نگرفته بود؛ اما دوره حکومت این پادشاه، به جهت رشد و پیشرفت تاریخ‌نگاری فارسی و ترکی، نقطه عطفی به حساب می‌آید. تاریخ‌نگاری در این دوره، دو مرحله را پشت سر گذاشت: در مرحله نخست، تولید تاریخ‌نگاری دودمانی مفصل و جامعی در قالب وقایع‌نامه‌های سلسله‌ای به زبان ساده و روان در حد مخاطبان عامه پایه‌گذاری شد. مرحله بعدی، از نیمه دوم سلطنت بایزید در اوایل سده ۱۰ هجری، به دنبال تغییری اساسی در علایق و دغدغه‌های تاریخ‌نگارانه خاندان عثمانی آغاز شد که در آن،

عنصر ایرانی نقش برجسته و مهمی داشت و دوره اوج و اعتلای تاریخ‌نگاری عثمانی را به وجود آورد.<sup>۱</sup> مورخان این مرحله، با هدف ارائه تصویری از اعتلای اعلای خاندان عثمانی، سنت تاریخ‌نگاری دودمانی درباری را از زبان ساده به زبان فارسی و ترکی با نثری منشیانه و پیچیده تحول بخشیدند و کتاب‌هایشان را به جای افراد عامی، برای مخاطبان خاص تحریر نمودند.<sup>۲</sup> نخستین اثر با این ویژگی، هشت‌بهشت بود که در عین حال، مفصل‌ترین تاریخ عثمانی تا زمان تألیف (۹۰۸ق/۱۵۰۲م) نیز به حساب می‌آمد.<sup>۳</sup> این اثر، توسط حکیم‌الدین ادریس بن حسام‌الدین علی بدلیسی حنفی (م ۹۲۶ق)<sup>۴</sup> و به دستور بایزید دوم در سال ۹۰۸ هجری به رشته تحریر کشیده شد.<sup>۵</sup> مورخان پس از بدلیسی به تقلید از هشت-بهشت، روش تاریخ‌نگاری ایرانی را در طی قرن‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری به تاریخ‌نگاری عثمانی وارد کردند<sup>۶</sup> که از متأثرترین این مورخان می‌توان به خواجه سعدالدین (م ۱۰۰۸ق)، مصطفی عالی (م ۱۰۰۸ق) و منجم‌باشی احمد دده (م ۱۱۱۳ق) اشاره کرد.<sup>۱</sup>

۱. صالحی، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ص ۱۰۵ و ۱۳۲-۱۳۶.

۲. همان؛ ناجی، تاریخ و تاریخ‌نگاری، ص ۲۰۳.

۳. صالحی، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ص ۲۷۹.

۴. از آنجا که پژوهش‌های دیگر به طور مبسوط به زندگی و آثار این مورخ پرداخته‌اند، برای جلوگیری از اطاله کلام، از ذکر آن صرف نظر می‌شود. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، بنگرید به: هامر پورگشتال، تاریخ امپراتوری عثمانی، ج ۲، ص ۸۶۱، ۸۶۲ و ۸۷۷؛ صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش ۳، ص ۱۶۰۴؛ ریاحی، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، ص ۱۴۳ و ۱۴۴؛ حسنی، یادداشتی پیرامون یک مورخ ایرانی، ص ۳۹-۳۷؛ سیدحسین زاده، بدلیسی در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۵۷۴.

۵. حسنی، یادداشتی پیرامون یک مورخ ایرانی، ص ۳۸.

۶. دین‌پرست، تأثیر تاریخ‌نگاری ایرانی دوره ایلخانان و تیموریان بر تاریخ‌نگاری عثمانی،

با وجود مطالعات و پژوهش‌هایی که به زبان‌های مختلف بر روی هشت‌بهشت صورت گرفته است، هنوز ضعف‌ها و شکاف‌های تحقیقاتی در مورد این اثر دیده می‌شود.<sup>۲</sup> غالب این پژوهش‌ها به مباحث ذیل توجه ویژه داشته‌اند:

- زندگی بدلیسی، همچون: یادداشتی پیرامون یک مورخ ایرانی و آثار او: ادريس بدلیسی؛

و بدلیسی، روابط عثمانی - صفوی (در منابع عثمانی و تاریخ‌نگاری معاصر ترک)؛<sup>۳</sup>

- ویژگی‌های ادبی هشت‌بهشت همچون: مقاله «ادريس بدلیسی و هشت‌بهشت» و

«عناصر فرهنگ ایرانی در هشت‌بهشت بدلیسی»؛<sup>۴</sup>

- و روش تاریخ‌نگاری این اثر همانند تحقیقاتی با عنوان‌های: بررسی محتوای هشت‌بهشت

بدلیسی در مقایسه با سه منبع اصلی: جهان‌گشای جوینی، تاریخ و صاف و ظفرنامه علی یزدی؛

تأثیر تاریخ‌نگاری ایرانی دوره ایلخانان و تیموریان بر تاریخ‌نگاری عثمانی و کتاب تاریخ‌نگاری

و مورخان عثمانی.<sup>۵</sup>

ص ۲۸، ۲۹ و ۳۱.

۱. صالحی، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ص ۱۰۵؛ همو، آثار خواجه سعدالدین افندی، ص ۷۲.

۲. همو، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ص ۲۲۳.

۳. حسنی، یادداشتی پیرامون یک مورخ ایرانی و آثار او، ص ۳۹-۳۷؛ سید حسین زاده، «بدلیسی»، مدخل در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۵۷۴؛ یاشار اوجاق، روابط عثمانی - صفوی (در منابع عثمانی و تاریخ‌نگاری معاصر ترک)، ص ۳۲-۲۸.

۴. پاکزاد، ادريس بدلیسی و هشت‌بهشت، ص ۱-۳۲؛ پاکزاد، عناصر فرهنگ ایرانی در هشت‌بهشت بدلیسی، ص ۱۴۹-۱۷۴.

۵. علی محمدی، بررسی محتوای هشت‌بهشت بدلیسی در مقایسه با سه منبع اصلی: جهان‌گشای جوینی، تاریخ و صاف و ظفرنامه علی یزدی، ص ۱۵۳-۱۶۷ و ۱۷۲-۱۷۵؛ دین‌پرست، «تأثیر

با وجودی که این پژوهش‌ها، به تأثیرپذیری سبک نگارش این اثر از متون تاریخ‌نگاری مغولی - تیموری پیشین تأکید کرده‌اند؛ اما به مسئله تأثیر روشی و محتوایی دیباچه‌های متون پیشین بر دیباچه‌های هشت‌بهشت و نیز تأثیر آنها بر انتخاب عنوان و شیوه چینش کتاب توجه نکرده‌اند. این خلأ مطالعاتی در حوزه بینش و نحوه روایت‌سازی بدلیسی از سلاطین عثمانی، در دفاتر مختلف هشت‌بهشت بیشتر مشاهده می‌شود. در مجموعه مطالعاتی که بینش بدلیسی مورد بررسی قرار گرفته، به موارد محدودی همچون تأثیر تملق‌گویی و ترس بدلیسی بر بینش خاص او و تمجیدش از سلاطین عثمانی،<sup>۱</sup> تأثیر گفتمان مشروعیت بدلیسی در گزارش دوران محمد فاتح (حک ۸۸۶-۸۵۵ق) و اوج پیروزی عثمانی (دفتر اول)<sup>۲</sup> و یا به میزان بسیار مختصری به بینش سلطنت‌محور، مذهبی و نخبه‌گرایانه بدلیسی<sup>۳</sup> تأکید شده است. از این رو، پژوهش حاضر تلاش می‌کند با نگاهی درون‌متنی به اثر، علت پدیدآمدن متن و میزان الگوپذیری‌اش از ویژگی‌های ظاهری و محتوایی دیباچه‌ها و متن کتاب‌های پیشین، و در نتیجه روش و بینش تاریخ‌نگاری بدلیسی فهم شود؛ همچنان که با مقایسه گزارش‌های کتاب با دیگر آثار پیشین و کتب مرتبط و کشف برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌های آن، دریابد مؤلف چگونه حادثه ضعف و شکست سنگین حکومت اول عثمانی از تیمور (م ۸۰۷ق) را در پرده چهارم از داستان

---

تاریخ‌نگاری ایرانی دوره ایلخانان و تیموریان بر تاریخ‌نگاری عثمانی»، دوفصلنامه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، ص ۲۸-۳۱؛ صالحی، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ص ۱۰۵، ۱۳۲-۱۳۶، ۲۲۳ و ۲۷۹.

۱. علی محمدی، بررسی محتوای هشت‌بهشت، ص ۱۶۳، ۱۷۱ و ۱۸۲.

۲. قزوینی حائری، گفتمان مشروعیت در هشت‌بهشت ادریس بدلیسی، ص ۱۰۷-۱۲۷.

۳. دین‌پرست، «تأثیر تاریخ‌نگاری ایرانی دوره ایلخانان و تیموریان بر تاریخ‌نگاری عثمانی»،

دوفصلنامه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، ص ۳۸-۴۰.

بهشت نمادین خود به تصویر کشیده‌است. با این هدف، روش و بینش بدلیسی مجزا از هم مورد تفحص قرار می‌گیرند.

### الف. روش تاریخ‌نگاری بدلیسی

کتاب *هشت‌بهشت*، دارای یک دیباچه و هشت دفتر است که هر دفتر به سرگذشت حکومت یکی از هشت سلطان عثمانی (از عثمان خان (حک ۶۸۷-۷۲۷ق) تا پایان سلطان محمد فاتح (حک ۸۵۵-۸۸۶ق)) پرداخته است. دفتر چهارم<sup>۱</sup> به یک دیباچه، دو مقدمه و شانزده داستان تقسیم شده است. دیباچه این دفتر، همانند دیباچه‌های دفاتر دیگر کتاب، با شعری طولانی در قالب مثنوی آغاز می‌شود. در این دیباچه، پس از حمد خدا و نعت رسول ﷺ، وقایع مهم کل دوران بایزید اول (حک ۷۹۲-۸۰۵ق) تا مرگ وی به نظم آورده شده است و سرانجام با توضیحی راجع به فهرست و چگونگی ساماندهی مطالب این دفتر پایان می‌پذیرد. مقدمه اول در بیان جانشینی بایزید بر اساس وصیت مراد (حک ۷۶۰-۷۹۱ق) است.<sup>۲</sup> مقدمه دوم به ذکر برخی اخبار سلاطین معاصر بایزید در ایران و توران می‌پردازد که بیشتر مطالب آن مربوط به چگونگی ظهور تیمور (م ۸۰۷ق) است.<sup>۳</sup> شانزده داستان، حجم اصلی دفتر را شکل می‌دهند. محتوای غالب آنها به اوضاع سیاسی، شرح جنگ‌ها و

۱. نسخه‌های خطی متعددی از این کتاب در کتابخانه‌های مختلف ایران موجود است؛ از جمله: کتابخانه ملی (چند نسخه با شماره‌های ثبت و بازیابی ۵۶۹۶۴ و ۵۶۱۷۸)، کتابخانه مجلس (چند نسخه با شماره‌های ثبت و بازیابی ۲۷۲ س.س، ۶۱۲ س.س، ۸۷۶۲ و ۳۳۹۷ - ۱۰ که شامل تنها دفتر ۷ و ۸ کتاب است) و ش ۸۷۶۲) و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (شماره‌های ثبت و بازیابی ۵۶۱۹ و ۵۳۰۹). در این مقاله، از این نسخه استفاده شده است: بدلیسی، *هشت‌بهشت*، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ثبت و بازیابی: ۵۶۱۹.

۲. بدلیسی، *هشت‌بهشت*، ص ۲۰۶-۲۰۸.

۳. همان، ص ۲۰۸-۲۱۳.

فتوحات بایزید و زمان وفاتش اختصاص یافته است. اوضاع اجتماعی و اقتصادی، به‌ندرت در بین گزارش‌های سیاسی مطرح شده‌اند.<sup>۱</sup>

با بررسی شاخصه‌های ظاهری هشت‌بهشت اعم از نام کتاب، چیدمان مطالب، نثر و کاربرد تشبیه، آیات و اشعار به‌کاررفته در آن، می‌توان به روش تاریخ‌نگاری و همچنین میزان الگوبرداری نویسنده از سایر منابع پی‌برد.

۱. به نظر می‌آید بدلیسی در انتخاب نام کتاب و به نظم درآوردن هشت هزار مصرع در آن،<sup>۲</sup> بیش از مورخان، ادبا را الگوی خود قرار داده است. گویا نخستین فردی که برای تقسیم‌بندی کتاب خود از مفهوم بهشت و درهای هشت‌گانه آن الهام گرفته است، سعدی شیرازی (م ۶۹۰/۶۹۱ق) باشد. سعدی با این استدلال که بهشت، هشت در دارد، کتاب گلستان را به هشت باب تقسیم نمود و نوشت:

*امعان نظر در ترتیب کتاب و تهذیب ابواب، ایجاز سخن مصلحت دید تا بر  
این روضه غنا و حدیقه غلبا چون بهشت، هشت باب اتفاق افتاد، از آن مختصر  
آمد تا به ملال نینجامد.*<sup>۳</sup>

پس از وی، امیر خسرو دهلوی (م ۷۲۵ق)، یکی از منظومه‌های پنج‌گنج خود را هشت-بهشت نامید و علت این نام‌گذاری را چنین بیان کرد:

*پس نویسم به ملک مشک سرشت نام این هشت خانه هشت بهشت  
تا کسی اندر رو گذر یابد بی‌قیامت بهشت دریابد  
وی هشت‌بهشت را کنایه از هشت داستان گرفت و هفت تایی آن را به داستان‌های  
شاهزادگان هفت کشور اختصاص داد و داستان دلارام و بهرام گور را به عنوان داستان*

۱. همان، ص ۲۱۴-۲۵۸.

۲. صالحی، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ص ۱۰۵.

۳. سعدی، کلیات سعدی، ص ۳۰.

اولیه و یکتا به آن هفت تا اضافه کرد.<sup>۱</sup> از آنجا که این شیوه نام‌گذاری توسط مورخان مرسوم نبود، به نظر می‌آید که بدلیسی در انتخاب نام کتاب خود، از منظومه امیر خسرو تأثیر گرفته باشد؛ چراکه وی نیز هشت‌بهشت را کنایه از داستان - نه اخبار و تاریخ - هشت پادشاه عثمانی گرفت. باید گفت نگاه مذهبی این ادبا، در بدلیسی اثر بخش بوده و او به رندی تمام نامی را انتخاب کرده است که جایگاه معنوی، درستی و حقانیت ممدوحان خود و مشروعیت مذهبی آنان را از همان آغاز در عنوان اثر به نمایش بگذارد.

۲. دقت در بیان مکان وقوع رویدادها و توجه اندک به سالشمار و تاریخ وقوع حوادث، در متن هشت‌بهشت به استثنای وقایع مربوط به مرزهای غرب عثمانی،<sup>۲</sup> مورد عنایت مؤلف قرار داشته است؛ اما این دقت‌نظر در مورد زمان وقوع رویدادها غالباً مشاهده نمی‌شود. حوادثی همچون: به تخت‌نشستن بایزید، ازدواج او با دختر لازار مسیحی (م ۷۹۲ق) و بسیاری از جنگ‌هایش با امیرنشین‌های آناتولی نظیر نبردهایش با علی‌بیگ، حاکم قرامان (وفات نامعلوم)، فاقد سالشماری هستند.<sup>۳</sup>

۳. اشاره محدود به تعداد سپاهیان طرفین در جنگ‌ها و یا شمار کشته‌شدگان آنها.<sup>۴</sup>

۴. شیوه تقسیم‌بندی مطالب کتاب مانند تاریخ‌نویسی‌های عصر مغولی و تیموری، موضوعی است و نه سالشمار. این تقسیم‌بندی، هم در تنظیم دفترهای کتاب و هم حوادث دوران هر پادشاه، قابل مشاهده است. با وجود این، چارچوب و ساختار کل کتاب، بدیع و نوآوری شخص مؤلف است.<sup>۵</sup>

۱. محبوب، هشت‌بهشت و هفت‌پیکر، ص ۳۵۰ و ۳۵۳-۳۵۹.

۲. چرایی این مسئله، در ادامه مقاله تحلیل می‌شود.

۳. برای نمونه، رک: بدلیسی، هشت‌بهشت، ص ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۹-۲۲۴ و ۲۲۹-۲۳۳.

۴. برای نمونه، رک: همان، ص ۲۵۶ و ۲۵۷.

۵. رک: جداول مربوط به دیباچه‌ها و ساختار کتب، در ادامه مقاله.



۵. کتاب هشت بهشت در زمره تاریخ‌نگاری دودمانی و سلسله‌ای محسوب می‌شود که با نثری منشیانه نگاشته شده و شامل تشبیهات و استعاره‌های فراوان می‌باشد. در جای‌جای کتاب از آیات قرآن کریم بهره گرفته شده است. ملک‌الشعراء بهار در باره سبک نگارش این کتاب می‌نویسد:

این کتاب، به شیوه مترسلان خوارزمی و جهانگشای جوینی نوشته شده است؛ لیکن قدری متکلفانه‌تر و سست‌تر و نمونه ناقصی است از تاریخ ابن بی‌بی.<sup>۱</sup>

کاربست نثری متکلفانه به اقتضای نیاز عصر بایزید دوم، به تولید آثار ادبی فاخر به جای یک روایت تاریخی ساده از خاندان عثمانی بود که شایسته حکومت تثبیت یافته عثمانی باشد؛ چراکه در دنیای آن روز، زبان فارسی به‌عنوان یک زبان فاخر، ابزاری مناسب برای ارائه تصویری امپراطورگونه از سلسله عثمانی به کار گرفته می‌شد.<sup>۲</sup> بدلیسی در مقام یک مورخ و فقیه پایبند به سنت و تحت تأثیر روش تاریخ‌نویسی مغولی و تیموری، خاصه متن *ظفرنامه* اثر یزدی (م ۸۵۸ق)، در موارد بسیار، در لابه‌لای گزارش‌های تاریخی خود از اشعار (در قالب مثنوی) و آیات قرآن استفاده می‌کند. وی کوشیده است که هر حادثه تاریخی را با یک آیه قرآنی پیوند داده، آن حادثه را انعکاس عملی و جلوه آیات قرآن در زندگی روزمره اجتماع انسانی نشان دهد. ظاهراً اهداف دیگر مؤلف، نمایش پیوندی ناگسستنی بین دین اسلام و آل عثمان، نشان دادن مصداقیت آیات قرآن در جزء جزء زندگی شاهان عثمانی و در نتیجه، ایجاد مشروعیتی دینی برای توجیه رفتار، پیروزی و شکست‌های سلطان است؛ به عنوان نمونه، می‌توان به آیه «تَوْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ» اشاره کرد که نویسنده، مصداق آن را در به قدرت رسیدن بایزید (حک ۸۸۶ - ۹۱۸ق) در برابر

۱. ملک‌الشعراء بهار، سبک‌شناسی، ج ۳، ص ۳۰۰.

۲. صالحی، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ص ۲۲۳ و ۲۲۹.

دیگر رقیب خلافت، یعنی برادرش یعقوب (وفات نامعلوم)، در اختلاف جانشینی تفسیر کرد.<sup>۱</sup>

۶. در مطالعات تاریخ‌نگاری اسلامی، دیباچه‌ها همواره یکی از بهترین مکان‌ها برای شناخت تأثیر مورخان پیشین، به‌ویژه در حوزه روش تاریخ‌نگاری بر متون بعدی به حساب می‌آیند.<sup>۲</sup> از مقایسه و تطبیق ساختار و محتوای دیباچه هشت‌بهشت با دیباچه‌های متون مغولی و تیموری، چنین استنباط می‌شود که هشت‌بهشت بیشترین الگوبرداری را از دیباچه جامع‌التواریخ رشیدالدین (م ۷۱۸ق) انجام داده است؛ اما در عین حال، تغییرات و نوآوری‌های بسیاری نیز صورت داده است که در قالب جداول به آن پرداخته می‌شود. به منظور جلوگیری از اطاله کلام و ارائه میزان این تأثیرپذیری و الگوبرداری، تنها جداول مربوط به هشت‌بهشت و جامع‌التواریخ آورده شده و از ارائه جداول کتب دیگر صرف‌نظر می‌شود.<sup>۳</sup> این جداول، مربوط به ساختار کل کتاب‌ها، چیدمان دیباچه‌ها در آن ساختار و همچنین محتوای دو دیباچه می‌باشد.

۱. بدلیسی، هشت‌بهشت، ص ۲۱۶.

۲. کوئین، تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی، ص ۳۳.

۳. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ، بخش مقدمه. به‌عنوان نمونه، تاریخ جهانگشا، یکی دیگر از کتب این دوره بود که مورد مقایسه قرار گرفت؛ جوبنی، تاریخ جهانگشا، بخش مقدمه.

## جدول ۱: ساختار کتاب جامع التواریخ

ساختار (مقدمه و دیباچه‌های) کتاب جامع التواریخ															
مقدمه کل کتاب (مقدمه ۳ جلد کتاب) شامل:															
فهرست کل کتاب:	دیباچه اصلی کتاب														
مجلد ۱، شامل:															
<table border="1"> <tr> <td>دیباچه</td> <td>۲ باب:</td> </tr> <tr> <td>+</td> <td></td> </tr> <tr> <td>سبب تألیف کتاب</td> <td>باب ۱، شامل:</td> </tr> <tr> <td></td> <td> <table border="1"> <tr> <td>دیباچه</td> <td>۴ فصل</td> </tr> </table> </td> </tr> <tr> <td></td> <td>باب ۲، شامل:</td> </tr> <tr> <td></td> <td>۲ فصل</td> </tr> </table>	دیباچه	۲ باب:	+		سبب تألیف کتاب	باب ۱، شامل:		<table border="1"> <tr> <td>دیباچه</td> <td>۴ فصل</td> </tr> </table>	دیباچه	۴ فصل		باب ۲، شامل:		۲ فصل	
دیباچه	۲ باب:														
+															
سبب تألیف کتاب	باب ۱، شامل:														
	<table border="1"> <tr> <td>دیباچه</td> <td>۴ فصل</td> </tr> </table>	دیباچه	۴ فصل												
دیباچه	۴ فصل														
	باب ۲، شامل:														
	۲ فصل														
مجلد ۲: شامل ۲ قسم															
مجلد ۳															

## جدول ۲: ساختار کتاب هشت بهشت

ساختار کتاب هشت بهشت				
شامل:				
۸ دفتر:	دیباچه و مقدمه اصلی کتاب			
دفتر ۱، شامل:				
<table border="1"> <tr> <td>دیباچه</td> <td>۲ مقدمه</td> <td>۱۵ داستان</td> </tr> </table>	دیباچه	۲ مقدمه	۱۵ داستان	
دیباچه	۲ مقدمه	۱۵ داستان		
دفتر ۲، شامل:				
<table border="1"> <tr> <td>دیباچه</td> <td>داستان‌ها</td> </tr> </table>	دیباچه	داستان‌ها		
دیباچه	داستان‌ها			
دفتر ۳، شامل:				
<table border="1"> <tr> <td>دیباچه</td> <td>داستان‌ها</td> </tr> </table>	دیباچه	داستان‌ها		
دیباچه	داستان‌ها			
دفتر ۴، شامل:				
<table border="1"> <tr> <td>دیباچه</td> <td>۲ مقدمه</td> <td>۱۶ داستان</td> </tr> </table>	دیباچه	۲ مقدمه	۱۶ داستان	
دیباچه	۲ مقدمه	۱۶ داستان		
دفتر ۵، شامل:				
<table border="1"> <tr> <td>دیباچه</td> <td>داستان‌ها</td> </tr> </table>	دیباچه	داستان‌ها		
دیباچه	داستان‌ها			

دفتر ۶، شامل:	
داستان‌ها	دیباچه
دفتر ۷، شامل:	
داستان‌ها	دیباچه
دفتر ۸، شامل:	
داستان‌ها	دیباچه

### جدول ۳: محتوای دیباچه اصلی جامع‌التواریخ

محتوای دیباچه اصلی جامع‌التواریخ	
توضیحات	موارد ذکر شده
	حمدیه
بسیار کوتاه	مدح و نعت رسول ﷺ
بسیار کوتاه	نعت صحابه
جلد یک به دستور غازان خان، و جلد دوم به دستور الجایتو	به دستور
جلد یک: آغاز ۷۰۲ و ۷۰۳ در قزوین، و اتمام جلد دو و سه: ۷۱۰	تاریخ و مکان نگارش
	مشروعیت‌سازی الهی
جامع جمیع انواع تواریخ در تاریخ قوم مغول، چنگیز و اعقابش و احوال ادیان و ملل، و نیز تاریخ اهل اقالیم از چین تا افرنج	علت نامیدن کتاب به این اسم
جامع‌التواریخ، تاریخ غازانی	نام‌های مختلف کتاب
	هدف و علت نگارش کتاب
	ذکر منابع و چگونگی استفاده از منابع
	عذرخواهی بابت معایب کتاب
	خبر تأیید کتاب و مزیت کتاب توسط سلطان

## جدول ۴: محتوای دیباچه اصلی هشت بهشت

محتوای دیباچه اصلی کتاب هشت بهشت		
همانندی یا تفاوت با جامع‌التواریخ	توضیحات	موارد ذکر شده
		حمدیه
همانند جامع‌التواریخ؛ اما مدح صحابه حذف شده	بسیار کوتاه	نعت رسول ﷺ
کوتاه، همانند جامع‌التواریخ	الهی	مشروعیت‌سازی
	بسیار کوتاه؛ فقط اشاره به هجرتش به سرزمین عثمانی برای حفظ ایمانش	اشاره به احوال و زندگی شخصی خود
همانند جامع‌التواریخ	بایزید دوم	به دستور
همانند جامع‌التواریخ	۹۰۸ هجری	سال تألیف
همانند جامع‌التواریخ		علت تألیف کتاب و مزیت کتاب
همانند جامع‌التواریخ	به دستور سلطان	علت نامیدن کتاب به این نام
همانند جامع‌التواریخ	الصفات الثمانية فی اخبار القیاصرة؛ مواهب الرحمانية فی خلافت العثمانية	نام‌های دیگر کتاب
	جهانگشای جوینی، ظفرنامه شامی، ظفرنامه یزدی، تاریخ و صاف، تاریخ معینی؛ جامع-التواریخ	الگوهای کتاب در نگارش

## جدول ۵: محتوای دیباچه دفتر چهارم هشت‌بهشت

محتوای دیباچه دفتر چهارم				
توضیحات	موارد ذکر شده			
- در قالب مثنوی، همانند ظفرنامه یزدی  - در یک مصراع	نظم طولانی، شامل: حمدیه			
	مدح رسول			
	کل حوادث دوره حکومت بایزید اول تا اسارت وی			
مقدمه ۱: در مورد چگونگی جانشینی بایزید از جانب سلطان مراد مقدمه ۲: در ذکر اخبار سلاطین معاصر بایزید در ایران و توران ۱۶ داستان در ذکر فتوحات و جنگ‌های بایزید تا زمان وفاتش	توضیح مطالب موجود در این دفتر (فهرست)؛ شامل: <table border="1"> <tr> <td>مقدمه ۱</td> <td>مقدمه ۲</td> <td>۱۶ داستان</td> </tr> </table>	مقدمه ۱	مقدمه ۲	۱۶ داستان
مقدمه ۱	مقدمه ۲	۱۶ داستان		

چنان‌که در جداول مذکور مشاهده می‌شود، استفاده از یک دیباچه اصلی و دیباچه‌های مختص به هر مجلد یا دفتر، چیش خاص دیباچه اصلی مبتنی بر شروع با حمد خدا و نعت رسول ﷺ، بیان چرایی نوشتن کتاب، علت نامیدن آن و...، همگی الگوبرداری از ساختار و دیباچه رشیدالدین (م ۷۱۸ق) است. با وجود این، کاربست چندین تغییر و نوآوری، هم در چیش و هم محتوای دیباچه و متن، هشت‌بهشت را شکلی یکتا بخشیده است؛ همچنان‌که ساختار دیباچه دفتر چهارم نیز کاملاً بدیع و نوآوری مؤلف است که در دیباچه جلد اول جامع‌التواریخ دیده نمی‌شود. از این‌رو، با وجود تمام این تأثیرپذیری، نمی‌توان هشت‌بهشت را یک اثر تقلیدی صرف دانست. اثر بدلیسی به دلیل الگوبرداری از

آثار فارسی پیش از خود، از یک طرف عامل انتقال و نفوذ ویژگی‌های تاریخ‌نویسی عصر مغولی و تیموری به تاریخ‌نویسی مورخان عثمانی شد.<sup>۱</sup> از طرف دیگر، به جهت مستحکم‌بودن اثر و نوآوری‌های بسیار - چه در دیباچه و چه در ساختار و شاکله کتاب - خود تبدیل به یک متن الگو در تاریخ‌نویسی عصر متقدم عثمانی همچون تاج‌التواریخ خواجه سعدالدین (م ۱۰۰۸ق) گردید.<sup>۲</sup>

### ب. بینش تاریخ‌نگری بدلیسی

برای فهم بینش تاریخ‌نگری بدلیسی، لازم است تا گستره و ویژگی‌های محتوایی اثر، موارد برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در توصیف حوادث و شیوه‌های مشروعیت‌زایی وی مطالعه و واکاوی شود:

۱. از آنجایی که کتاب هشت‌بهشت به دستور سلطان بایزید دوم و هم‌زمان با تثبیت اقتدار عثمانی به نگارش درآمده است، در این کتاب با ویژگی‌های یک تاریخ‌نویسی درباری روبه‌رو هستیم که تلاش دارد روایت تاریخی و فراتاریخی شکوهمندی از سلطان و دودمان عثمانی ارائه دهد.

۲. شیوه تقسیم‌بندی گزارش‌ها و محتوای متن، برجسته‌بودن امر غزا و جهاد و نیز رویکرد غالب سیاسی و نظامی در بینش این مورخ فقیه را نشان می‌دهد؛ چنان‌که غالب

---

۱. دین پرست، «تأثیر تاریخ‌نگاری ایرانی دوره ایلخانان و تیموریان بر تاریخ‌نگاری عثمانی»، دوفصلنامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، ص ۳۱؛ صالحی، تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ص ۲۳۴.

۲. صالحی، آثار خواجه سعدالدین افندی، ص ۷۲؛ نیز رک: احمد دده منجم باشی، تاریخ منجم باشی.

محتوای شانزده داستان این دفتر، به فتوحات و جنگ‌های بایزید اختصاص یافته است و توجه به مسائل اقتصادی و اجتماعی این دوره، در حاشیه دیدگان مؤلف قرار دارد.<sup>۱</sup>

۳. بینش و نگاه بدلیسی به کلیت تاریخ و فلسفه آن: بدلیسی، تاریخ را از شاخه‌های علوم دینی و فنون ادبیه می‌داند.<sup>۲</sup> از نگاه او، تاریخ، علمی است که با آن، معرفت به حوادث زمانیه حاصل می‌شود و با کمک آن می‌توان خط سیر زمانی حوادث را دریابیم.<sup>۳</sup> این در حالی است که این نویسنده در ثبت زمان حوادث، ملاحظه و دغدغه کافی نداشته است. در بینش بدلیسی، فایده علم تاریخ با عبرت‌آموزی پیوند تنگاتنگی دارد؛ چراکه مطالعه آن، برای پادشاهان و عامه مردم سرشار از عبرت‌اندوزی است.<sup>۴</sup>

بدلیسی در خوانش خود از روایت مهم‌ترین رویداد دوره بایزید، یعنی روابط این سلطان با تیمور، در بیان چگونگی و چرایی ظهور و قدرت یافتن تیمور، با تفسیر دو آیه از قرآن، آن را بر اساس مشیت و تقدیر خدا گزارش می‌کند. تفسیر مؤلف از این آیات، خواننده را متوجه نوعی فلسفه تاریخ در تاریخ‌نگاری او می‌کند. بدلیسی از تفسیر حدیث «لکل زمان دولة و رجال» نتیجه می‌گیرد که دارایی دنیا فقط در مدت کوتاه و معینی، در دست گروهی باقی می‌ماند و به اقتضا و خاصیت این دنیا که ناپایداری جزء غیرقابل انفکاک آن است، اساس و اصل آن گروه بر اساس حکمت آیه «تلك الأيام نداولها بين الناس»، نابود می‌شود و به جای آن، گروهی دیگر قدرت و شوکت می‌یابند. وی تفسیر خود را با این سخنان به پایان می‌برد:

*از غرایب مشیت مسبب الأسباب در عالم، تقدیر این است که مدتی طولانی*

۱. برای نمونه مسائل اقتصادی و اجتماعی، ر.ک: بدلیسی، هشت‌بهشت، ص ۲۳۵، ۲۴۲ و ۲۴۳.

۲. همان، ص ۱۹-۲۱.

۳. همان.

۴. همان.



به اقتضای ترتیب و علل حوادث زمانی که متفرع و فرع بر ارادت ربانی است و در عاقبت به دنبال متتبع حکمت‌های ظهور و حکمت‌های نهانی چنان اقتضاء نمود که بعد از انقضاء ایام شوکت و اقتدار سلاطین چنگیزی [که] در ایران و توران داشتند... و پدید آمدن ملوک الطوائفی ایلیخانان بعد از مرگ ابوسعید، پسر امیر شهرکش از توابع سمرقند، یعنی امیر تیمور گورکانی که از قبیله مشهور و قدرتمندی نبود، قدرت را در اندک زمانی در ماوراءالنهر و سپس در کل توران و ایران بدست آورد.<sup>۱</sup>

بر این اساس، بدلیسی برای هر حکومت و قدرتی، تولد و مرگی قائل است. نگاه او در اینجا، شبیه نظر ابن خلدون (م ۸۰۸ق) است؛ اما بر خلاف وی، در پی تحلیل و ارائه دلایل عقلی و منطقی در علت ظهور و نابودی یک دولت و حکومت نیست؛ بلکه با همان نگاه تقدیرگرایانه‌اش به راحتی علل این ظهور و سقوط را در عامل آسمانی تقدیر، مشیت و خواست خدا خلاصه می‌کند؛ به عبارت دیگر، این نویسنده نیز مانند بسیاری از مورخان قرون گذشته، موتور محرکه حوادث تاریخی و چرخش قدرت‌ها را در عامل قدرتمند تقدیر و قضای الهی می‌بیند و حتی بسیار بیش از سایر منابع، بر این مفهوم تأکید کرده است. او علت اصلی ظهور یک پادشاه، پیروزی و شکست او در جنگ‌ها را تقدیر یا توفیق ربانی،<sup>۲</sup> تأیید پروردگار<sup>۳</sup> و یا بخت و اقبال مساعد بیان می‌کند.<sup>۴</sup> به دنبال همین نگاه و نگرش به

۱. همان، ص ۲۰۸ و ۲۰۹.

۲. همان، ص ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۲۲ و ۲۳۴.

۳. همان، ص ۲۱۱، ۲۲۴ و ۲۲۷.

۴. به عنوان مثال، بدلیسی معتقد است فتح قسطنطنیه به دست آل عثمان، یک تقدیر ایزدی و حتمی بود و تمام سلاطین عثمانی، از این واقعه با الهام غیبی پیش از وقوع آن مطلع بوده‌اند. (همان، ص

۲۰۹، ۲۲۷ و ۲۳۷)

تاریخ، وی ظهور تیمور را نتیجه تقدیر و بخت مساعد دانسته و علل تاریخی دیگر نظیر: حُسن تدبیر، اختلاف بین حکام ماوراءالنهر و یا کم‌بودن دشمن نیرومند در ایران را جزو علل فرعی و کم‌اهمیت‌تر معرفی می‌کند.<sup>۱</sup> تکرار زیاد واژه «توفیق ربانی» در متن، ناشی از غلبه نگاه تقدیرگرایانه یک عالم سنت‌گراست و این تأکید در مقایسه با منابع معاصر آن، بیشتر جلب نظر می‌نماید. این تکرارها در متن، گاه با ابیاتی منظوم همراه می‌شود؛ به عنوان نمونه، بدلیسی به هنگام کشته‌شدن مراد در جنگ، این‌چنین می‌سراید:

گرچه نگون شد علم قیصری      ماند به اخلاف شه آن سروری  
باز به توفیق خدای کریم      ملک به این قوم شده مستقیم<sup>۲</sup>

۴. پاسخ به چرایی نگارش کتاب، ما را به فهم بینش نویسنده رهنمون می‌کند که آن را می‌توان هم از گفته‌های خود مؤلف که مستقیماً در دیباچه به آن اشاره کرده، و هم از کل محتوای اثر به دست آورد. وی در دیباچه اثر از دو انگیزه خود برای نگارش هشت‌بهشت نام برده است: نخست آنکه با وجود اینکه کتب بسیاری به زبان ترکی در این زمینه (تاریخ دودمان عثمانی) تألیف شده است، همچنان نقصی جدی در این عرصه وجود دارد؛ زیرا این تألیفات، بیشتر به صورت موجز و مختصر به موضوع پرداخته‌اند و آمیخته به افسانه‌اند؛ بدون آنکه اخبارشان مورد تنقیح قرار گرفته باشد. دوم آنکه سلطان علاقه داشت برخلاف تواریخ پیشین مربوط به سلسله عثمانی که نثری ساده داشت، تاریخی بر اساس اسلوب کتب عصر چنگیزی به زبان فارسی فصیح نوشته شود که حتی در فصاحت و سخن‌پردازی، از آن تواریخ برتر باشد<sup>۳</sup> و بتواند تصویری امپراطورگونه از حاکمیت عثمانی ارائه دهد. بایزید دوم که در زمان او قدرت عثمانی تا حد زیادی به عنوان یک امپراطوری

۱. همان، ص ۲۰۹.

۲. همان، ص ۲۰۶.

۳. همان، ص ۱۴.

وسیع تثبیت شده بود، قصد داشت با خلق چنین اثری این نکته را برای مخاطبان تداعی کند که قدرت و عظمت عصر چنگیزی و مغولان، نه تنها در وسعت حکومت سلاطین عثمانی تکرار شده، بلکه در آثار ادبی و تاریخی آنها نیز قابل رؤیت است.

اما علاوه بر دلایل مذکور، با غور در محتوای هشت بهشت چنین استنباط می‌شود که انگیزه مهم تألیف این کتاب، همانند اغلب کتب تاریخی درباری، مشروعیت بخشی دینی به حکومت وقت بوده است. از آنجا که این کتاب در عصر بایزید دوم (عهد استقرار امپراطوری عثمانی) نگاشته شده، تنها مشروعیت دینی بر اساس سنت غازی گری در کل متن برجسته شده و مؤلف حتی نیم‌نگاهی به مشروعیت‌سازی بر اساس ترک و یا عثمانی بودن خاندان سلطنتی و یا تلفیق آنها نداشته است.<sup>۱</sup> بدلیسی حتی بر ویژگی‌های اخلاق اسلامی و شخصیت ایمانی سلطان، نظیر عدالت و اجرای شعائر اسلام، و یا اقداماتش در گسترش فرهنگ، فقه و کلام اسلامی چندان تأکیدی ندارد؛ بلکه بیشتر امر جهادگری سلطان را به عنوان اصلی‌ترین عامل توسعه اقتدار اسلام در جهان، برجسته می‌کند.<sup>۲</sup> این نظر، زمانی بیشتر تأیید می‌گردد که به این نکته توجه کنیم که هرچند بدلیسی کتاب را در زمان بایزید دوم تحریر می‌کند، اما وقایع آن را تنها تا عصر سلطان محمد فاتح پیش می‌برد؛ زیرا در بینش این مؤلف، عامل اصلی مشروعیت‌زایی حاکمیت و اقتدار عثمانی، یعنی امر «غزا و جهاد»، با فتح قسطنطنیه و سقوط امپراطوری بیزانس کاملاً به دست آمده و به اوج خود رسیده است و دیگر نیازی به نگارش تاریخ پس از آن نیست؛ به عبارتی دیگر، نفس عمل سلطان محمد فاتح، در تحقق بخشیدن به آرزوی دیرینه و ۸۵۰ ساله حاکمان مسلمان و حامیان غزا در جهان اسلام، یعنی فتح پایتخت

۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه عوامل مشروعیت‌سازی عثمانی‌ها در دوران تأسیس، ثبات و

ضعف، رک: بلک، *تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام*، ص ۳۱۸-۳۳۳.

۲. رک: به ادامه متن؛ و نیز برای نمونه: بدلیسی، *هشت بهشت*، ص ۲۰۶-۲۰۷، ۲۱۴ و ۲۱۶.

امپراطوری بیزانس، اساسی‌ترین و مهم‌ترین گزینه مشروعیت‌زایی عثمانیان را در نظر فقیهی متعصب چون بدلیسی، تأمین کرده است. اهمیت مشروعیت‌سازی بر اساس سنت غزا با القابی که بدلیسی به بایزید اول در این دفتر می‌دهد نیز قابل مشاهده است. مهم‌ترین و پُرکاربردترین این القاب، به ترتیب عبارت‌اند از: سلطان مجاهدان، سلطان غازی، سلطان و قیصر چهارم اسلام (در مقابل قیصر کافر)<sup>۱</sup> که بر دو لقب اول، بیش از سایر القاب تأکید شده است.

بر پایه این موارد، مؤلف دو نوع مشروعیت‌سازی را در این دفتر دنبال می‌کند؛ یکی در برابر رقیبان داخلی قدرت در درون خاندان عثمانی است که از طریق اثبات حقانیت حکومت، قداست‌سازی و توجیه اشتباهات سلطان بایزید صورت می‌گیرد که می‌توان آن را مشروعیت‌سازی داخلی نامید. نوع دیگری از مشروعیت‌سازی در این متن دیده می‌شود که حوزه وسیع‌تری را دربرمی‌گیرد و شامل کل خاندان عثمانی می‌شود و بدلیسی آن را در برابر رقبای قدرت در خارج از مرزهای عثمانی مطرح کرده است و می‌توان آن را مشروعیت‌سازی خارجی نامید که ادامه مبحث، به این دو اختصاص می‌یابد.

#### ۱-۴. مشروعیت‌سازی جزئی و داخلی

اولین کارکرد این نوع از مشروعیت‌سازی، در گزارش اختلاف جانشینی در خاندان عثمانی، میان مدعیان تاج و تخت، یعنی بایزید و برادرش یعقوب دیده می‌شود. نویسنده در مقدمه - ای مجزا از مباحث دفتر، چگونگی به قدرت رسیدن بایزید را بدون ذکر تاریخ این رویداد شرح می‌دهد. وی عامل اصلی مشروعیت و استحقاق بایزید را برای حکومت، با وجود آنکه فرزند دوم بود، وصیت پیش از مرگ پدرش، مراد اول (حک ۷۶۰-۷۹۱ق) معرفی می‌کند<sup>۲</sup> و بدون هیچ اشاره‌ای به اختلاف موجود بین سران و امرای مسیحی و بزرگان

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۰۷ و ۲۰۸.

خاندان‌های ترک در امر جانشینی،<sup>۱</sup> تمام بزرگان را در پذیرش و اطاعت از وصیت مراد، متفق‌القول نشان می‌دهد.<sup>۲</sup> او عامل دوم حقانیت بایزید را در مقابل یعقوب، تداوم سنت مقدس غازی‌گری در امر تقویت اسلام توسط بایزید بیان می‌کند.<sup>۳</sup> این استدلال، مجدداً محوریت جهاد مذهبی در نگاه بدلیسی را در پروسه مشروعیت‌سازی داخلی تأیید می‌نماید. بدلیسی، روند تکمیل و اجرای این پروسه را با بهره‌برداری از اندیشه سیاسی ظل‌اللهی سلطان ادامه می‌دهد و در پایان این مقدمه، تذکر می‌دهد که «مرتبه سلطان، تمثالی از الوهیت یزدانی است و نمایش ظلی از آفتاب ربوبیت...»<sup>۴</sup> او در قسمت‌های بعدی متن، بارها متذکر می‌شود که سلطان از طریق نوعی الهام و وحی غیبی، از اخبار آینده مطلع و آگاه می‌شود.<sup>۵</sup>

عمل مهم دیگری که نشانه مشروعیت‌سازی داخلی برای سلطان بوده و بر کل روایات متن سایه افکنده است، عدم تعرض به اشتباهات و قداست مقام بایزید است. بدلیسی نیز مانند دیگر مورخان درباری، مقام شاه را در بالاترین درجه انسانی خود قرار می‌دهد و حتی زمانی که اشتباه و گناهی از وی سر می‌زند، با دلیل تراشی فراوان، کوتاهی و اشتباهات را

۱. شاو، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۱، ص ۶۴.

۲. بدلیسی، هشت‌بهشت، ص ۲۰۷.

۳. با وجود این، بدلیسی در توجیه کشته‌شدن یعقوب، دچار تناقض جدی است. کاربست واژه‌های «عامل فتنه و فساد» در صورت وجود چند ارباب در ملک در کنار واژه «شهادت» برای یعقوب، کاربردی تناقض‌آمیز است که نشانه عجز ادريس فقيه در رأی به حقانیت یکی از اعضای خاندان عثمان و نیز حل تناقض بین مسئله مصلحت امپراتوری و مسئله اخلاقی (قتل ناحق یک انسان) است. (همان، ص ۲۰۷ و ۲۰۸).

۴. همان، ص ۲۰۸.

۵. همان، ص ۲۱۷ و ۲۲۰.

به گردن بخت نامساعد و یا اطرافیان شاه می‌اندازد. نمونه بارز این امر را می‌توان در روایت وی از ماجرای ازدواج بایزید با دختر لازار، فرمانروای صربستان مشاهده نمود. بعد از این وصلت و تحکیم روابط دو کشور، مشاوران مسیحی بسیاری به دربار عثمانی سرازیر شدند و سبب رواج آداب و رسوم بیزانس در دربار گردیدند<sup>۱</sup> و ظاهراً تا مدتی مانع حملات بایزید به اروپا شدند. بدلیسی به‌عنوان یک فقیه متعصب و پایبند به اسلام، از نفوذ آداب و رسوم مسیحی در دربار و عدم توجه کافی بایزید به امر غزا بسیار ناراضی است. از آنجا که او هرگز نمی‌خواهد به قداست مقام سلطان کوچک‌ترین تعرضی شود، به جای ذکری از ورود و نفوذ مشاوران مسیحی، در قالب یک داستان از نفوذ و تأثیر عشوه‌های همسر زیباروی مسیحی سلطان، به‌عنوان عامل اصلی دوری سلطان از امر مقدس جهاد، به صورت مفصل و طولانی سخن گفته است.<sup>۲</sup> وی منشأ بعدی فساد و عشرت‌گذرانی سلطان را نه خود وی، بلکه توجیه منکرات او توسط علی پاشای وزیر معرفی کرده است.<sup>۳</sup> در همین جا برای آنکه پاکی سلطان زیر سؤال نرود، به این امر تأکید می‌شود که بایزید به دلیل ارث‌بردن از اجداد مطهرش، با وجود تأثیرات وزیر و همسر مسیحی‌اش، فقط در میگزاساری آنان را همراهی می‌کرد و از انجام دیگر منهیات دین اسلام به‌شدت دوری می‌نمود.<sup>۴</sup>

همچنین، بدلیسی در کل این دفتر، به اختلافات اعیان و بزرگان ترک با مشاوران مسیحی بایزید،<sup>۵</sup> اشاره‌ای هرچند مختصر هم نکرده و آن را با رندی تمام پوشانده است.<sup>۱</sup>

۱. شاو، تاریخ امپراتوری عثمانی، ج ۱، ص ۶۷.

۲. بدلیسی، هشت بهشت، ص ۲۲۹-۲۳۳.

۳. همان، ص ۲۳۱-۲۳۳.

۴. همان، ص ۲۳۰.

۵. بایزید با گسترش نظام دوشیرمه، از بردگان مسیحی، علاوه بر ارتش برای نخستین بار در امور کشوری استفاده کرد. این امر، سبب ناخشنودی بزرگان ترک و رقابت شدید آنها با عناصر مسیحی

به نظر می‌رسد دلیل این سکوت و حاشیه‌رانی، عدم تمایل وی در سخن از مسائلی باشد که ممکن است جایگاه و اقتدار مطلق سلطان را زیر سؤال ببرد.

#### ۲-۴. مشروعیت‌سازی کلی و بیرونی

پس از اثبات مشروعیت سلطنت و حقانیت بایزید، بدلیسی به سراغ مشروعیت‌سازی وسیع‌تری در مورد کل آل عثمان در برابر رقبای خارجی می‌رود. این رقبا شامل سه جبهه: امیرنشین‌های مسلمان ترک آناتولی، تیمور و همسایگان مسیحی است:

گردید. در حالی که رجال نظامی ترک، خواستار غازی‌گری در جبهه غرب بودند، مشاوران مسیحی، خواهان جنگ با امیرنشین‌های آناتولی بودند. (شاو، *تاریخ امپراتوری عثمانی*، ج ۱، ص ۶۶-۷۴)

۱. به عنوان مثال، بدلیسی گزارش می‌دهد بایزید پس از شکست متحدان آل قرامان و تسلیم آنها، یعنی امیرنشین‌های آیدین، منتشا و صاروخان ایلی، به داخل آسیای صغیر پیشروی کرد و ممالک زیادی از جمله حمید ایلی را تصرف نمود. پس از ایجاد امنیت در منطقه، عساکر به این علت که مدت زمان طولانی از وطن و خانواده خود دور بودند، خسته شدند و خواستار بازگشت به وطن گردیدند. به همین علت، بایزید به بورسا بازگشت؛ اما مدتی بعد، خبر حمله علی‌بیگ، حاکم قرامان به حمید ایلی رسید و بایزید دوباره سپاهی از روم ایلی و آناتولی [که نشانه ساختار قومی سپاه، یعنی ترک و مسیحی است،] جمع نمود و پس از تصرف تکه ایلی و گرمیان ایلی، به قرامان حمله کرد. در این هنگام، علی بیگ درخواست عفو نمود و چون بایزید همانند اسلافش اهل جوانمردی و عفو بود، وی را بخشید و در مقام سابقش باقی گذارد. (بدلیسی، *هشت بهشت*، ص ۲۱۹-۲۲۰)

با غور در این گزارش، درمی‌یابیم که بدلیسی نارضایتی ترکان مسلمان سپاه را حذف نموده و به جای آن، خستگی و دل‌تنگی سپاه را عامل اصلی بازگشت بایزید به بورسا بیان کرده است و در پایان گزارش خود نیز عامل صلح را روحیه و اخلاق جوانمردانه بایزید ذکر کرده و ترس بایزید را از عدم همراهی سپاهیان ترکش برای ادامه لشکرکشی‌ها در آناتولی (شاو، *تاریخ امپراتوری عثمانی*، ج ۱، ص ۶۹)، پنهان ساخته است. (برای نمونه دیگر، رک: بدلیسی، *هشت بهشت*، ص ۲۱۷-۲۱۹)

## ۴-۲-۱. امیرنشین‌های مسلمان ترک آناتولی

بایزید، اولین سلطان عثمانی بود که به جنگ در جهت شرق امپراطوری توجه نمود و تصمیم گرفت به جای پیشروی در غرب، وضعیت عثمانی را در قبال امارت‌های مستقل آناتولی روشن و تسلط خود را بر آن مناطق تثبیت نماید که البته با حمله تیمور، در دستیابی به این تصمیم ناکام ماند. از این‌رو، بدلیسی یک مقدمه از دو مقدمه دفتر چهارم<sup>۱</sup> و همچنین ده داستان از شانزده داستان آن (قسمت اعظم دفتر) را به جنگ‌ها و حوادث مشرق عثمانی اختصاص داد که در آنها، هدفش معطوف به مشروعیت‌زایی و توجیه حمله بایزید به این مناطق مسلمان‌نشین و به حاشیه‌راندن حاکمان آن است که در مقایسه با دفاتر پیشین، امری بدیع و بی‌سابقه بود. در راستای این هدف، نویسنده دفتر در سه سطح عمل می‌کند؛ نخست با تأکید بر مهم‌ترین عامل مشروعیت‌زایی، یعنی غزا و جهاد عثمانیان، جایگاه برتر آنان را نسبت به دیگر امیرنشین‌های آناتولی اثبات و برجسته می‌کند. در سطح دوم، نویسنده ادعاهای برخی از این امیرنشین‌ها را در استحقاق کسب قدرت، ساختگی و دروغ معرفی می‌کند تا مشروعیتی قوی را که برخی از آنها نظیر قاضی برهان‌الدین (حک ۷۸۳-۸۰۰ق) در میان ترکان آسیای صغیر به دست آورده بودند، از میان بردارد.<sup>۲</sup> در سطح سوم و کلان‌تر، بدلیسی در روایت کل داستان روابط عثمانی‌ها با همسایگان شرقی، پیوسته در کنار نام امیرنشین‌های آناتولی، واژه‌های «اهل نفاق»، «مفسد همسایه»، «اشرار»، «دشمن مناطق» و «کین‌خواه و عصیانگر علیه عثمانیان» را

۱. با موضوع اوضاع سیاسی مشرق حکومت عثمانی، یعنی ایران و توران. (همان، ص ۲۰۸-۲۱۰)

۲. نظیر جعلی‌شمردن ادعای قاضی برهان‌الدین مبنی بر اینکه نسبش به سلطان مصر می‌رسد و همچنین، برساخته‌بودن رؤیت‌خواهی توسط او شبیه خواب عثمان، جدّ سلاطین عثمانی‌ها که تعبیر

آن، به‌دست آوردن سلطنت در آینده توسط او و خواندانش است. (همان، ص ۲۲۴ و ۲۲۵)



به کار می‌برد تا چهره دشمن و غیربودن آنان را برجسته کند و جنگ با آنان را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بنمایاند.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲-۲. تیمور

تیمور (حک ۷۷۱-۸۰۷ق)، با اهمیت‌ترین رقیب خارجی عثمانی در دوره بایزید به حساب می‌آید و جنگ با او، مهم‌ترین واقعه دوره این پادشاه را شکل داد؛ چراکه سبب توقف چندین ساله عثمانی در مرزهای شرقی‌شان شد. از این رو، نویسنده‌ی هشت‌بهشت، بخش زیادی از ده داستان مربوط به حوادث شرق عثمانی را به جنگ با تیمور اختصاص داده است.

توصیف هشت‌بهشت از تیمور، به خلاف توصیفات تحقیرآمیزش از دیگر دشمنان شرقی عثمانی، همراه با احترام است. بدلیسی، نخستین بار نام تیمور را با لقب «صاحبقران»<sup>۲</sup> و در بقیه اثر با لقب «امیر تیمور» در مقابل عنوان «سلطان بایزید» یاد کرده است. در عین حال، او با ستمکار خواندن تیمور،<sup>۳</sup> یک توصیف تضادآمیز از او در هشت‌بهشت ارائه داده است. شاید دلیل بدلیسی آن بود که نشان دهد مخدومش، نه از یک امیر محلی و گمنام، بلکه از یکی از قدرتمندترین امیران زمانه خویش شکست خورده است؛ هرچند او برای پوشاندن ننگ این شکست، ظهور تیمور، جنگ‌ها و ستمکاری‌هایش را به یک توجیه دینی مبتنی بر حدیثی پیشگویانه از پیامبر ﷺ پیوند زد.<sup>۴</sup> وی برای تأکید بر اثربخشی این دلیل، شرح و تفسیر حدیث را نه از زبان خود، بلکه با استناد به «اخبار روایت ثقه» بیان می‌کند

۱. همان، ص ۲۱۷، ۲۱۸ و ۲۲۰.

۲. همان، ص ۲۰۸.

۳. همان، ص ۲۵۲ و ۲۵۳.

۴. «لا تتوم الساعة حتى يتاتلو الترك صفار الأعین حمر الوجوه و لف الأنوف كان وجوههم المجان المطرقة الحديث.» (همان)

که این حدیث، نشانه ظهور تیمور و تسلط او بر قوم ترک و ممالک اسلام است و جریان ستم‌پیشگی او، از نشانه‌های فتنه‌های آخرالزمان و شروط برپایی قیامت می‌باشد. جالب است که بدلیسی برای اقدام بایزید در رویارویی با تیمور نیز یک توجیه دینی آورده و می‌نویسد چون فطرت سلطان بایزید بر دشمنی با مخالفان دین و ستمکاران (تیمور) قرار داشت، برای آسایش دنیایی خویش حاضر به مداخله در امر دین و صلح با ستمکاران نبود؛ حتی اگر به مقام شهادت نایل می‌شد.<sup>۱</sup> همچنین، در لابه‌لای روایت جنگ، نویسنده بارها با برجسته‌سازی مقام غازی‌گری بایزید و آل عثمان، برای مخدومان خویش در برابر تیمور مشروعیت‌سازی می‌کند.<sup>۲</sup>

با مقایسه روایات بدلیسی در باره جنگ آنقوره (۸۰۴ ق) با سایر منابع، می‌توان به بینش وی در مواجهه با این حادثه پی برد. به نظر می‌رسد که الگوی اصلی بدلیسی در گزارش‌هایش از این جنگ، کتاب *ظفرنامه* یزدی بوده که با توجه به بینش خاص خویش، تغییراتی در آن اعمال کرده است. این الگوبرداری، در تمام زمینه‌ها، چه در نشر و چه در به‌کاربردن اشعار زیاد (در قالب مثنوی) در لابه‌لای روایت، ترتیب و شیوه توصیف گزارش و همچنین در تأکید زیادش به دخالت قضا و قدر در به‌وجود آمدن جنگ و شکست بایزید، خود را با شدت و ضعف نشان می‌دهد. بدلیسی مانند یزدی (م ۸۵۸ ق) و همچنین شامی (م ۸۰۷ ق)، از تأثیر قطعی قضا و قدر به‌عنوان تأثیرگذارترین علت حمله تیمور و شکست بایزید، نام می‌برد. سخنان او از چگونگی شدت تأثیر قضا و قدر در زندگی انسان‌ها و حکومت‌ها و حتی توضیحاتش از نشانه‌های شوم وقوع این تقدیر قطعی، پیش از شروع

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۵۱ و ۲۵۲؛ شامی، *ظفرنامه*، ص ۲۴۸-۲۵۲؛ شرف‌الدین علی یزدی، *ظفرنامه*، ص ۲۸۷-۲۹۶؛ ابن عرب‌شاه، *زندگانی شگفت‌آور تیمور*، ص ۱۷۹؛ مصلح‌الدین لاری، *مرآت الأدوار و مرقات الأخبار*، نسخه خطی، ص ۴۳۹-۴۴۲.

جنگ که از سوی منجمان پیشگویی شده بود، همانند یزدی است؛ با این تفاوت که وی بسی بیش از یزدی بر این عامل اصرار ورزیده است؛<sup>۱</sup> تا جایی که به خواننده القا می‌شود اگر این عامل در میان نبود، بی‌گمان این جنگ هرگز به وقوع نمی‌پیوست. تأثیر عوامل مادی، به عنوان عوامل درجه دوم ذکر شده است.

به نظر می‌رسد نویسنده هشت‌بهشت در ذکر تاریخ و سال وقوع این جنگ، دچار اشتباه شده است. او وقوع این حادثه را ۱۳ محرم ۸۰۵ هجری ثبت کرده است؛ در حالی که دیگر مورخان، سال ۸۰۴ هجری را آورده‌اند.<sup>۲</sup> گزارش بدلیسی از پاسخ بایزید به ایلچیان تیمور، به‌عنوان نخستین علت شروع مخاصمات طرفین، متفاوت از دو ظفرنامه و شبیه به گزارش ابن عربشاه (م ۸۵۴ق) و لاری (م ۹۷۹ق) است.<sup>۳</sup> بدلیسی بیش از این مورخان، پس از عامل قضا و قدر، بر پاسخ تند و خالی از دوراندیشی بایزید و اهانت به تیمور، به‌عنوان علت اصلی حمله تیمور و شروع جنگ تأکید می‌کند. نکته جالب توجه در این میان، آن است که

۱. یزدی، ظفرنامه، ص ۲۸۳ و ۲۸۴؛ بدلیسی، هشت‌بهشت، ص ۲۴۹ و ۲۵۰.

۲. همان، ص ۲۵۶؛ شامی، ظفرنامه، ص ۲۴۸؛ یزدی، هشت‌بهشت، ص ۲۸۴ و ۳۱۴؛ ابن عربشاه، زندگانی شگفت‌آور تیمور، ص ۱۸۹؛ البته شاو نیز همانند بدلیسی تاریخ ۸۰۵ق را ثبت کرده است.

(شاو، تاریخ امپراتوری عثمانی، ص ۷۷)

۳. وی برخلاف ظفرنامه‌ها که فقط به عدم ارسال پاسخی به درخواست تیمور اشاره کرده‌اند، از پاسخ تند و آمیخته با دشنام بایزید، سخن گفته است؛ اما آنچه در اینجا تعجب‌انگیز می‌باشد، این است که برخلاف ابن عربشاه، در کل روایت، هیچ‌گاه از محتوای کامل نامه‌ها و پاسخ‌های بایزید، ذکری به میان نیامده است. (شامی، ظفرنامه، ص ۲۴۹؛ یزدی، ظفرنامه، ص ۲۷۹-۲۸۰؛ ابن عربشاه، زندگانی شگفت‌آور تیمور، ص ۱۷۵-۱۷۶؛ لاری، مرآت الأدوار، ص ۴۳۹؛ بدلیسی، هشت‌بهشت،

ص ۲۰۸ و ۲۴۸)

او به طریق غیرمستقیم برای حمله تیمور نیز مشروعیت‌سازی می‌نماید و دلایل دیگر حمله همچون انگیزه‌های اقتصادی تیمور در حمله به آناتولی<sup>۱</sup> را حذف کرده و به حاشیه رانده است. او تفسیر دیگری از دلیل کمک امیرنشین‌های آناتولی به تیمور ارائه داد؛ درحالی‌که این کمک، ناشی از اشغال سرزمین‌های این امیرنشین‌ها توسط عثمانی بود.<sup>۲</sup> بدلیسی با یک دلیل تراشی تناقض‌آمیز، آن را به زبان مشترک و هم‌نژادی امیرنشین‌ها با تیمور نسبت داد.<sup>۳</sup>

مؤلف با هدف ناچیز جلوه‌دادن پیروزی‌های تیمور، بیشتر روایت خود را به جنگ آنقوره اختصاص داده است. در این بین، او بدون اشاره به پیشروی موفقیت‌آمیز تیمور در فتح قلعه‌های تروتوم و هاوک،<sup>۴</sup> تنها از فتح قلعه مهم «کماخ» در منطقه سیواس<sup>۵</sup> سخن گفته است. همچنین، وی به مانند ابن‌عربشاه، از مسیرهای متفاوت حرکت سپاه تیمور و بایزید به سوی آنقوره به‌دقت یاد کرد؛ اما برخلاف او، تنها اشاره‌ای بسیار گذرا به این ویژگی کرد که مسیر حرکت سپاه تیمور به آنقوره از راه سیواس - قیصریه، ساده و راحت بود؛ ولی مسیر سپاه بایزید از راه توقات - راه جنگلی، کوهستانی و کم‌آب - صورت گرفت. این امر، سبب تشدید خستگی و تشنگی سپاهیان بایزید در این فصل (تابستان) شد و در نتیجه، بسیاری از آنان در بحبوحه جنگ از شدت تشنگی جان باختند.<sup>۶</sup>

۱. اینالچق، *امپراتوری عثمانی*، ص ۳۳.

۲. ابن‌عربشاه، *زندگانی شگفت‌آور تیمور*، ص ۱۸۳؛ شاو، *تاریخ امپراتوری عثمانی*، ج ۱، ص ۷۶-۷۷.

۳. بدلیسی، *هشت‌بهشت*، ص ۲۵۷.

۴. شامی، *ظفرنامه*، ص ۲۵-۲۵۳؛ یزدی، *ظفرنامه*، ص ۲۸۸-۲۹۷.

۵. بدلیسی، *هشت‌بهشت*، ص ۲۵۱.

۶. همان، ص ۲۵۷؛ ابن‌عربشاه، به‌طور کامل این مسئله را توضیح داده است. (ابن‌عربشاه، *زندگانی*

مؤلف در پایان روایت جنگ آنقوره، به منظور حفظ حرمت و اقتدار خاندان عثمانی، مسئله فرار و عقب‌نشینی فرزندان سلطان بایزید (شاهزادگان سلیمان و محمد)<sup>۱</sup> را حذف نموده و داستان اغراق‌آمیز ایستادگی و مقاومت بایزید قبل از دستگیری را جایگزین آن فرار کرده است. بدلیسی اتمام روایت جنگ آنقوره و دستگیری بایزید را با جمله‌ای به پایان می‌رساند که دیدگاه وی را در این باره به زیبایی نشان می‌دهد: «سلطان، شکست خورد؛ به اقتضای اراده یزدان»<sup>۲</sup>.

#### ۳-۲-۴. مناطق مسیحی‌نشین و کافر در اروپا

در اینجا نیز نویسنده با تأکید بر سنت غازی‌گری و روحیه جهادی سلاطین عثمانی، حمله به سرزمین‌های کافر و مسیحی در اروپا را به‌عنوان غیرخودی کافر‌مذهب، نه تنها بسیار مشروع، بلکه لازم‌الاجراء و وظیفه شرعی بیان می‌کند. در این خصوص، گزارش‌های بدلیسی از اخبار مرتبط با غرب و اروپا، کلی‌نگرانه و غیردقیق است. در هشت‌بهشت، برخلاف گزارش‌های دقیق و همراه با جزئیات از حوادث و اماکن شرق عثمانی، نه تنها هیچ توضیحی در مورد اوضاع سیاسی حاکم بر امپراطوری بیزانس و حکومت‌های بالکان وجود ندارد، بلکه اطلاعات بسیار ناچیزی از شهرهای اروپایی فتح‌شده به دست عثمانی بیان شده است؛ به عنوان نمونه، در ذیل روایت نبرد صلیبی نیکوپولیس (۸۰۰ق)، هیچ توضیحی از مسیر لشکرکشی بایزید و نام اماکن فتح‌شده توسط او در بالکان، به‌ویژه بلغارستان، ارائه نشده و تنها به پیروزی بایزید بر سلاطین مسیحی اشاره گردیده است.<sup>۳</sup>

شگفت‌آور تیمور، ص ۱۸۴)

۱. در میان منابع، ابن‌عریشاه به فرار سلیمان، و لاری به فرار محمد اشاره کرده‌اند. (همان، ص

۱۸۶؛ لاری، مرآت‌الادوار، ج ۲، ص ۲۴۳)

۲. بدلیسی، هشت‌بهشت، ص ۲۵۸.

۳. همان، ص ۲۳۵-۲۳۶.

این شیوه‌گزینش و حاشیه‌رانی، متأثر از دو امر در دیدگاه و بینش نویسنده است. یکی، نگاه خاص او به غرب است که بنا به آن، غرب یک منطقه جغرافیایی دارای حکومت‌های مختلف با ویژگی‌های منحصر به هر حکومت نیست؛ بلکه تنها مفهوم «سرزمین شاهان کفر و سلاطین مسیحی» را دارد که باید با آنها جنگید و آنان را نابود ساخت. با همین بینش است که وی هیچ نیازی به شناختن این «قوم بی‌فرهنگ» و اسامی شهرهایشان احساس نمی‌کند.<sup>۱</sup> مسئله دوم آنکه در بینش بدلیسی، تنها شهر بسیار مهم در مغرب امپراطوری که فتح آن می‌تواند مشروعیت مدنظر نویسنده، یعنی امر جهاد و غزا را برای دولت نوپای عثمانی فراهم کند، قسطنطنیه است. به همین دلایل، اخبار مربوط به غرب، بر اساس محوریت قسطنطنیه، چینش، برجسته و یا به حاشیه‌رانده می‌شوند. این توجه، تا حدی است که اخبار مغرب و شهرهای آن تا جایی که نزدیک به این شهر و در پیوند با حوادث آن قرار گرفته باشد، اهمیت و ارزش ثبت‌کردن دارد؛ به عنوان نمونه، درحالی‌که بدلیسی خبر حمله مسیحیان و تصرف شهر سالانیک و بازپس گرفتن آن توسط بایزید را در یک داستان مستقل شرح می‌دهد.<sup>۲</sup> در جای دیگر نیز به اهمیت فتح مجدد این شهر اشاره کرده و می‌نویسد به سبب آنکه سالانیک، قسطنطنیه ثانی بوده و با تسلط بر آن، عثمانی می‌توانست مانع آمدوشد کشتی‌های فرنگ و مانع تجارت کفار در اطراف قسطنطنیه شود، از این‌رو، فتح مجدد آن ضروری می‌نمود.<sup>۳</sup>

---

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۲۹-۲۳۴.

۳. همان، ص ۲۳۵.

## نتیجه

کتاب هشت بهشت به عنوان نخستین متن تاریخی تولیدشده در دوره اوج تاریخ‌نگاری عثمانی (سده ۱۰ و ۱۱ ق)، هم‌راستا با چند اثر دیگر، به جای افراد عامی، مخاطبان خاص را برای متن خود در نظر گرفت و با هدف ارائه تصویری از عظمت خاندان عثمانی، سنت تاریخ‌نگاری دودمانی درباری را از زبان ساده به زبان فارسی با نثری منشیانه و پیچیده تحول داد. این متن در راستای تحقق این هدف، تحت تأثیر متون تاریخ‌نگاری عصر چنگیزی و تیموری قرار گرفت. این الگوبرداری در حوزه روش تاریخ‌نگاری و در زمینه ساختار و محتوای دیباچه، از دیباچه جامع‌التواریخ رشیدالدین و در زمینه تقسیم‌بندی کتاب و شیوه نگارش، از تمام منابع آن عصر، خاصه کتاب *ظفرنامه* شرف‌الدین یزدی متأثر شد. با وجود این، هشت بهشت یک اثر تقلیدی صرف نبود و به دلیل مستحکم‌بودن متن و نوآوری‌های بسیار (چه در دیباچه و چه در ساختار و شاکله کتاب)، خود تبدیل به یک متن الگو در تاریخ‌نویسی عصر متقدم عثمانی گردید. به سبب غلبه نگاه فقهاتی بر بینش بدلیسی، تأثیر اجتناب‌ناپذیر تقدیر الهی در چرخش و سقوط قدرت‌ها، در فلسفه تاریخ او به شدت نمایان است.

به دلیل آنکه هشت بهشت یک اثر رسمی درباری است، مقوله مشروعیت‌زایی برای حکومت، یکی از عوامل اساسی در پدیدآمدن کتاب می‌باشد. مشروعیت‌سازی که دیدگاه و بینش نویسنده در کل کتاب به دنبال ایجاد آن است، مشروعیت‌سازی اسلامی و دینی با تأکید فراوان بر مسئله غازی‌گری و جهاد سلاطین عثمانی بوده تا بتواند جایگاه معنوی، درستی ممدوحان خود و حقانیت حکومتشان را اثبات نماید. این امر در انتخاب نام اثر، شیوه تقسیم‌بندی کتاب، دوره زمانی اثر (آغاز حکومت عثمانی تا پایان محمد دوم، فاتح قسطنطنیه) و محتوای آن قابل مشاهده است. در این دفتر، این نوع مشروعیت‌سازی در مقابل چهار گروه غیر ایجاد می‌شود که عبارت‌اند از: رقبای داخلی، حکام کافر مسیحی، امیرنشین‌های مسلمان ترک آناتولی و تیمور. در این میان، بدلیسی قسمت اعظم دفتر

چهارم را به جنگ‌ها و حوادث مشرق عثمانی اختصاص داد تا حمله بایزید به این مناطق مسلمان‌نشین و جنگ با تیمور را توجیه و مشروعیت دینی بخشد که در مقایسه با دفاتر پیشین، امری بدیع و بی‌سابقه بود. در مقابل، در بینش وی، نیازی به شناختن «قوم بی-فرهنگ» کافر مغرب‌زمین و شهرهایش نبود. از این رو، در حوادث مغرب عثمانی، تمرکز اصلی متن بر اخبار مربوط به قسطنطنیه می‌باشد؛ چراکه قسطنطنیه، شهری بود که فتح آن، مشروعیت مد نظر بدلیسی، یعنی امر جهاد و غزا را برای ممدوحانش فراهم می‌ساخت.

بدلیسی در بازخوانی جنگ بایزید با تیمور، به‌عنوان مهم‌ترین واقعه دوره این سلطان، بارها با برجسته‌سازی مقام غازی‌گری بایزید و آل عثمان، برای مخدومان خویش در برابر تیمور مشروعیت‌سازی کرد؛ اما با هدف حاشیه‌رانی ننگ شکست، در روایتش از چرایی شکست، بسی بیش از منابع متقدم خود، بر عامل قطعی قضا و قدر تأکید کرد و آن را تا جایی برجسته نمود که گویی با حذف این عامل، نه جنگی هرگز به وقوع می‌پیوست و نه بایزید شکست می‌خورد.



## منابع

۱. ابن عربشاه، احمد بن محمد، زندگانی شگفت‌آور تیمور (ترجمه کتاب عجائب المقدور فی اخبار تیمور)، محمد علی نجاتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۹.
۲. اینالجبی، خلیل، امپراتوری عثمانی (عصر متقدم ۱۳۰۰-۱۶۰۰)، کیومرث قرقلو، تهران: بصیرت، ۱۳۸۸.
۳. بلک، آنتونی، تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام از عصر پیامبر ﷺ تا امروز، محمد حسین وقار، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۵.
۴. بهار، ملک الشعراء، سبک‌شناسی، تهران: امیرکبیر، ۲۵۳۵.
۵. پاکزاد، مه‌ری، «ادریس بدلیسی و هشت‌بهشت»، مهاباد، سال نهم، ۱۳۸۸، ش ۱۰۴.
۶. —، «عناصر فرهنگ ایرانی در هشت‌بهشت بدلیسی»، ادبیات فارسی، بهار ۱۳۹۲، ش ۲۱.
۷. جوینی، علاء‌الدین عظاملک بن بهالدین محمد بن محمد الجوینی، تاریخ جهانگشای؛ به اهتمام: محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران: بامداد، ۱۳۲۹.
۸. حسنی، عطاء‌الله، «یادداشتی پیرامون یک مورخ ایرانی و آثار او: ادریس بدلیسی»، کتاب ماه و جغرافیا، آذر ۱۳۷۹، ش ۳۷ و ۳۸.
۹. دین‌پرست، ولی، «تأثیر تاریخ‌نگاری ایرانی دوره‌ی ایلیخانان و تیموریان بر تاریخ‌نگاری عثمانی»، دو فصلنامه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء، سال بیستم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، دوره جدید، ش ۶، پیاپی ۸۶.
۱۰. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع التواریخ، تصحیح: محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: البرز، ۱۳۷۳.
۱۱. ریاحی، محمدمین، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تهران: پاژنگ، ۱۳۶۹.
۱۲. سعدی، مصلح بن عبدالله، کلیات سعدی، مصحح: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: دوستان، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
۱۳. سیدحسین زاده، هدی، «بدلیسی»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵.

۱۴. شامی، نظام‌الدین، *ظفرنامه*، مصحح: فلکس ناور، بیروت: مطبعه امریکایی، ۱۹۳۷.
۱۵. شاو، استنفورد جی، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان‌قدس رضوی: معاونت فرهنگی، ۱۳۷۰.
۱۶. صالحی، نصرالله، «آثار خواجه سعدالدین افندی»، گزارش میراث، دوره دوم، سال هفتم، ۱۳۹۲، ش ۱ و ۲.
۱۷. —، *تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۱.
۱۸. صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۳۲.
۱۹. علی‌محمدی، نعمت‌الله، «بررسی محتوای هشت‌بهشت بدلیسی در مقایسه با سه منبع اصلی: جهان‌گشای جوینی، تاریخ و صاف و ظفرنامه علی یزدی»، نامه تاریخ‌پژوهان، سال ششم، تابستان ۱۳۸۹، ش ۲۲.
۲۰. قزوینی حائری، یاسر، «گفتمان مشروعیت در هشت‌بهشت ادبیس بدلیسی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال دوم، تابستان ۱۳۸۹، ش ۵.
۲۱. کوئین، شعله، *تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی*، منصور صفت‌گل، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۲۲. محجوب، محمدجعفر، «هشت‌بهشت و هفت‌بیکر»، ایران‌نامه، بهار ۱۳۶۲، ش ۳.
۲۳. منجم‌باشی، احمد دده، *تاریخ منجم‌باشی (صحایف الأخبار فی وقایع الآثار)*، مترجم نصرت‌الله ضیائی، تهران: مهراندیش، ۱۳۹۳.
۲۴. ناجی، محمدرضا و دیگران، *تاریخ و تاریخ‌نگاری*، تهران: نشر کتاب مرجع، ۱۳۸۹.
۲۵. هامر پورگشتال، یوزف‌فون، *تاریخ امپراتوری عثمانی*، تهران: زرین، ۱۳۶۷-۱۳۶۹.
۲۶. یاشار اوجاق، احمد، «روابط عثمانی - صفوی (در منابع عثمانی و تاریخ‌نگاری معاصر ترک)»، *چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی*، دی‌واسفند، ۱۳۸۵، ش ۲۸.
۲۷. یزدی، شرف‌الدین علی، *ظفرنامه (تاریخ مفصل ایران در دوره تیموریان)*، مصحح: محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶.

## نسخ خطی:

۲۸. بدلیسی، حکیم‌الدین ادریس، هشت‌بهشت، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت و بازیابی: ۲۷۲ سس، ۶۱۲ سس، ش ۸۷۶۲ و ۳۳۹۷ - ۱۰ (که شامل تنها دفتر ۷ و ۸ کتاب است) و ش ۸۷۶۲.

۲۹. —، هشت‌بهشت، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ثبت و بازیابی: ۵۶۱۹.

۳۰. —، هشت‌بهشت، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ثبت و بازیابی: ۶۹۶۴ - ۵، ۱۶۱۷۸. لاری شافعی، مصلح‌الدین محمد، مرآت الادوار و مرقات الاخبار، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ثبت و بازیابی: ۱۳۳۳.

